هو الحیّ

اگر شمس جهانی اشراق انوار بهجتت کو و اگر قمر رضوانی ابتهاج ضیاء اسرار قدست کو و اگر از قاصرات غرفات جنّات احدیّتی جذبه و شوقت کو و اگر از طلعات سرادقات ربوبیّتی وله و ذوقت کو آخر هر مقامی را نشانی هست و هر رتبه را آیتی در کار مشک ختای احدیّه بی روحات دلکش معلوم نگردد و طیب سنای سبای صمدیّه بی نفحات دلپذیر چه کار آید اگر صورت بی معنی مراد است تصویر هندی بسیار است و در بغداد صفحهٴ آن را در سوق الحراج بعشر عشر دینار میدهند و اگر معنی مطلوب و مقصود است آن را ظهور و بروزی باید تا نسایم شمال قدس عما از مجعّدات گیسو قسمت بردارد و نفایس مرغولات عزّ ضیا از معطّرات شمامهٴ مجد او نصیب یابد اینست شأن جواهر مجرّدات و سواذج مقدّسات طوطی بی‌نطق از صعوه کمتر بنظر آید و شمس بی نور و بها البتّه از ذرّه پست‌تر پای محبّت مستقیم کن تا سر رفعت برافرازی قلم نیستی بر لوح منیر دل بکش تا علم هستی فوق جبل قدرت بر پا نمائی ولکن کلّ ذلک من فضل اللّه یؤتیه من یشآء غیر ساذج وجود را از این نعمت قسمتی نیست و جز جوهر نفوس را از این حوض نصیبی نه و انّه هو معطی ما یشآء لما یشآء

 جناب ملیح‌اللّه که عوالم وجود حقیقی را بی ملح خوش طعم او طعمی نیست و مزه نه بوفور تکبیر مکبّر شوید

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ مه ۲۰۲٣، ساعت ۳:٠٠ بعد از ظهر